

واقعیت شمارا ملزم می‌سازد، که بپذیرید، سوسیال دمکراسی اتریش، در حال حاضر از نظر سیاسی کاملن ورشکسته است.

(گنورگی دیمتریوف: نامه به کارگران اتریشی، مارس 1934)

در روز 12 فوریه 1934 دهه‌هازار کارگر اتریشی علیه قدرت دولتی بورژوازی به پا خاستند، تا از وضعیت دایم روبرایی سیاسی و اقتصادی جلوگیری نمایند. آنها تیکه از همه مصمم‌تر و آگاه‌تر بودند، جهت مقابله با تعرض پلیس و نیروهای دفاع میهنی فاشیستی، دست به اسلحه بردند. آنها سه روز تمام در شهرهای، وین و دیگر شهرهای صنعتی اتریش در ایالات، اتریش سفلی (Niederösterreich)، اشیرمارک (Steiermark)، اتریش علیا (Oberösterreich)، سالزبورگ (Salzburg) و تیرویل (Tirol) شجاعانه مبارزه نمودند. ولی بعلت پراکندگی هسته‌های مقاومت و عدم حمایت متقابل و بخصوص فقدان کامل یک دستگاه رهبری‌کننده مرکزی مبارزات، ارتجاع فاشیستی توانست پیروز شود و سلطه سرکوب و قهر فاشیسم اتریشی (Austrofaschism) را برقرار کند، و بدین ترتیب راه را برای نازیها هموار نماید. بالین جود، این اولین قیام مسلحانه علیه فاشیسم قبل از جنگ داخلی اسپانیا و جنگ‌های پارتیزانی علیه فاشیسم نازی بود.

کودتای فاشیستی در اتریش غیر مترقبه نبود، چون قبل از اینکه حزب سوسیال دمکرات اتریش وزیر مجموعه سازمانی آن در فوریه 1934 ممنوع اعلام شوند، حزب کمونیست اتریش (KPÖ)، - حزبی انقلابی در آن موقع - ، اتحاد دفاع جمهوری خواهان (Republikanischen Schutzbund) و دیگر سازمانهای کارگری توسط دولت راست محافظه‌کار در سال 1939 ممنوع اعلام شده بودند.

در وین هم که سوسیال دمکرات‌ها به تنهایی در قدرت بودند در 15 یولی 1927 به پلیس خود دستور تیراندازی به صف تظاهرکنندگان را دادند و کارگران را با ضربات سرنیزه به هلاکت رساندند، و بدین ترتیب نظم سرکوب‌گرانه بورژوازی را دوباره برقرار کردند - جنایتی که صدها کشته و بیش از هزاران زخمی به جای گذاشت.

در سال 1930 جناح راست حزب مردم (ÖVP) - "دفاع میهنی" آنموقع - مارشی را بطرف وین سازماندهی کرد. آنها در کورنوبورگ (Korneuburg) قسم یاد کردند که بساط "دمکراسی پارلمانی غربی و دولت-حزبی" را براندازند. متعاقب آن موجی از قتل‌های فاشیستی کارگران آگاه به منافع طبقاتیشان آغاز گردید و علاوه بر آن در سال 1933 اعتصاب توده‌ای کارگران راه‌آهن دولتی از طرف دولت سرکوب گردید. در سال 1934 حکم ممنوعیت گردهمایی عمومی و برقراری تظاهرات از طرف دولت آن موقع سوسیال - مسیحی - امروز (ÖVP) -، دولفوس - شوشنیک (Dollfuß Schuschnigg) صادر شد. پلیس مرتب منازل و مراکز تجمع سازمانهای انقلابی و کمونیستی را که ممنوع اعلام شده بودند و نیز دفاتر حزب سوسیال دمکرات اتریش (SPÖ) را مورد بازرسی قرار می‌داد. تا اینکه نیروهای مقاومت در شهر لینز (LINZ) در 12 فوریه - دست به مقاومت مسلحانه زدند و کارگران کارخانه برق، سیمهای ارتباطی را به نشانه اعتصاب عمومی جهت سرنگونی دولت قطع کردند.

در نامه‌ای مشروح خطاب "به کارگران اتریش"، "گنورگی دیمتریوف" دبیرکل آن موقع انترناسیونال کمونیستی دلایل عمده شکست مبارزه علیه فاشیستی شدن دولت اتریش را، بخصوص در عدم روشنائی دورنمای مبارزاتی کارگران تحت هژمونی سوسیال دمکراسی و عقب کشاندن دایم آنها در برابر حملات ارتجاع، عدم اعتماد به بسیج توده‌ای در روزهای ماقبل 1934/2/12 و موضع دفاعی قیام مسلحانه بدون هدف روشن سیاسی، ارزیابی می‌کند.

اگر ما وضعیت امروز در اتریش و اتحادیه اروپا را با آنموقع مقایسه کنیم می‌بینیم که فرسخ‌ها با آن دوران فاصله داریم. امروز هیچ نشانی از مبارزه هزاران انقلابی و یا کارگران ضد فاشیست که مسلحانه علیه وضعیت بد اقتصادی و سیاسی که چندین دهه است زندگی توده‌ها را در هم تنیده، نیست که به قیام برخیزند. در فرانسه "حکومت نظامی" چندین ماهه همراه با ممنوعیت برگزاری گردهمایی‌های خیابانی، جاسوسی، ترور پلیسی، و دستگیری افراد "مظنون" بدون داشتن مجوز دادستانی به یک وضعیت معمول تبدیل شده است. در لهستان حقوق پایه‌ای دمکراتیک با تغییر قوانین در شرف پایمال شدن و در مجارستان این حقوق کاملن برچیده شده است. بعنوان مثال در اتریش، اختیارات پلیس هرچه بیشتر گسترش می‌یابد، شنود مکالمات افراد با دستگاه‌های مدرن و دقیق بطور مخفی، ضبط و پردازش اطلاعات شخصی و بکارگیری افراد برای خدمات جاسوسی داخلی و چشم و گوش مراقبتی دولت (سازمان اطلاعات و

امنیت)، به یک واحد پیوسته تبدیل شده‌اند، و اضافه بر آن تمامی تحرکات مسافرتی و رفت و آمد افراد دقیق کنترل و محدود می‌شود. پلیس به اسلحه‌های ارتشی مجهز شده‌است و ارتش برای انجام عملیات داخلی بکارگرفته می‌شود. از چندین دهه بخصوص از زمان برآمد بحران اقتصادی 2008، شرایط معیشتی کارگران و کارمندان متوسط بدتر می‌شود، وضعیت لایه‌های پائین کارگری 10-20% در سالهای گذشته وخیم‌تر شده‌است و افرادی که با دریافت حداقل درآمد زندگی می‌کنند، دیگر به هیچ‌وجه نمی‌توانند باندازه کافی نیازهای اولیه خود و فرزندانشان را تامین کنند. از نظر عینی باندازه کافی دلیل برای مقابله توده‌ای کارگران، زحمتکشان و بیکاران وجود دارد. ولی در شرایط کنونی بعلت سردرگمی غالب عمومی، راه حل در گروه‌های کوچک و اغلب بی‌تاثیر سیاسی جستجو می‌شود. تعداد کمی این آگاهی را دارند و می‌پذیرند که ما در یک جامعه طبقاتی زندگی می‌کنیم که استثمار روزافزون طبقه کارگر، توسط دولت بورژوازی تثبیت می‌شود که نتیجه آن انباشت سرمایه در دست طبقه کوچکی از سهام‌داران و دیگر سرمایه‌داران و فربه شدن آنها گشته‌است. ولی کاهش هرچه بیشتر شرکت در انتخابات نشان می‌دهد، که بخش بزرگی از طبقه کارگر، بخصوص جوانترها هرگونه اعتمادی را به احزاب پارلمانی از دست داده‌اند که ابتدا به کارگران و توده مردم انواع وعده‌ها را می‌دهند، ولی بعد از نشستن برصندلی‌های مجلس، سیاست بانک‌ها و کنسرن‌ها را به مرحله اجرا می‌گذارند - مثال بارز آن یونان...

واقعیت این است، اگر عناصر پیشرو موفق نشوند جنبشی رو بجلو و تعرضی سازماندهی نمایند و توده‌های آماده را به مبارزه بکشانند، قبل از اینکه این نیروها تحلیل بروند و تنها به موضع دفاعی بسنده نمایند، چنین مبارزاتی اغلب به شکست منجر می‌شود. دستگاه بورژوازی با امکاناتی که در تاثیرگذاری بر توده‌ها، آموزش مراقبین و محافظین و دستجات مسلح در اختیار دارد، دشمنی بسیار خطرناک است، او در واقع در خدمت طبقه کوچکی از سرمایه‌داران و استثمارگران است که تمامی سیاست دولت و احزاب سنتی را در خدمت منافع خود می‌گیرد.

ضعف نظام سرمایه داری بخصوص در زمانهای بحران آنجاست که مجموعه نیروهای محرک آن متوجه کسب سود حداکثر است. و اتفاق در شرایط بحرانی است که دورنمای کسب سود تضعیف می‌شود و حاکمین، برای اینکه "قدرت رقابت" را در بازار جهانی از دست ندهند، مجبورند بطور محدود به خواسته‌های استثمارشوندگان و سرکوب-شدگان تن در دهند و از طرفی چون نرخ سود در چنین وضعیتی کاهش می‌یابد سرمایه داران، تعرض به حقوق اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر، یعنی اکثریت بزرگی از توده مردم در اتریش را شدت می‌بخشند: فشار و تضییقات کاری که در مراکز تولید انجام می‌گیرد، از جمله کاهش حقوق واقعی، افزایش ساعت کار روزانه، هفتگی، و سال کار بازنشستگی، کاهش تأمینات اجتماعی، بدتر شدن آموزش عمومی و نیازهای درمانی و غیره از جمله این تدابیر هستند که در خدمت پیشبرد این منافع‌اند.

کوشش ما، انقلابیون کمونیست در مبارزه علیه این وضعیت که بخش بزرگی از جامعه را در بر می‌گیرد و روز بروز هم وخیم‌تر می‌شود، این است که توده زحمتکشان را به مقاومت دعوت کرده و همزمان بخش آگاه آنها را به ضرورت حتمی یک جهت‌گیری تعرضی سیاسی قانع کنیم. برای ما هدف بعدی تغییر تمامی مناسبات موجود در یک انقلاب پرولتاریائی با شرکت اکثریت توده‌های کارگری است، تا در یک جامعه سوسیالیستی، بنیان‌های سرمایه‌داری، از جمله روابط کالائی و استثمار انسان از انسان از ریشه برچیده شود. **وین 3 مارس 2016**

درج، چاپ و نشر این نوشته با ذکر نام منبع آن آزاد است!

IA* RKP - Initiative für den Aufbau einer Revolutionär-Kommunistischen Partei
Proletarische Revolution - revolutionär-kommunistische Zeitung in Österreich

prolrevol.wordpress.com

ia.rkp2017@yahoo.com - iarkp.wordpress.com

KOMAK-ML - Kommunistische Aktion-marxistisch-leninistisch

komakml@gmail.com

Alle: Stiftgasse 8, A-1070 Wien

ترجمه و تکثیر > یکی از فعالین چپ در وین - اتریش <

آدرس تماس: 8: Stiftgasse, 1070 Wien, Amerlinghaus

email: linksaktivist@gmx.at